



## بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی - ۱۹ دی / ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

سلام عرض میکنم به مردم عزیز قم و به حوزه‌ی علمیّه‌ی عظیم الشان؛ وضع دیدار سالانه‌ی امسال ما متأسفانه به این شکل است و من از مشاهده‌ی چهره‌های منور برادران عزیز قمی محروم، ولی خب این هم یکی از اشکال زندگی است، از فراز و نشیب‌ها است؛ زندگی از این کوچه پس‌کوچه‌ها زیاد دارد، مسیر زندگی را باید طی کرد، ان شاء الله خواهد گذشت؛ این هم مثل همه‌ی حوادث تلخ و شیرین دیگر گذرا است و ان شاء الله به توفیق الهی مسیر زندگی در جاده‌ی آسفالت‌ه قرار خواهد گرفت.

حمد الهی و سپاسگزاری از مردم عزیز ایران و عراق بابت حرکات خودجوش سالگرد شهید سلیمانی و شهید ابومهدی بحث امروز من چند کلمه در باب حادثه‌ی مهم و حماسه‌ی مهم نوزدهم دی است، و چند کلمه هم در باب برخی از مسائل روزی که در افکار عمومی مطرح است؛ ولی قبل از آنکه موضوع اصلی را شروع کنم، لازم میدانم حمد الهی را به جا بیاورم و از مردم عزیز کشورمان سپاسگزاری کنم به خاطر حرکت عظیم حماسه‌گونه‌ای که در سالگرد شهید عزیزمان سلیمانی، (۱) در کشور به وجود آوردند. شهید سلیمانی و شهید ابومهدی در حرکات خودجوش مردم در سرتاسر کشور بحمد الله تجسم عینی پیدا کردند و با این حرکت عظیم مردمی، روح تازه‌ای به کالبد کشور و ملت دمیده شد که با هیچ بخشنامه‌ای، با هیچ دستوری امکان نداشت چنین حرکتی به وجود بیاید؛ این حرکت، ناشی از عواطف مردم، دل‌های مردم، بصیرت مردم و انگیزه‌های درست مردم بود؛ همچنین تجمع بزرگ و شگفت‌انگیزی که در بغداد و در بعضی از شهرهای دیگر عراق برای تکریم و بزرگداشت شهید ابومهدی، فرمانده‌ی برجسته‌ی عراقی و شهید سلیمانی - مهمان عزیز مردم عراق - تشکیل شد. از همه‌ی برادران و خواهرانی که در اینجا و در عراق در این مراسم شرکت کردند، صمیمانه تشکر میکنم.

لازم میدانم نام شهدای همراه شهید سلیمانی را هم بیاورم؛ چون عظمت شهید سلیمانی موجب شد که نام اینها کمتر آورده بشود و کمتر مطرح بشود: شهید پورجعفری، (۲) شهید مظفری‌نیا، (۳) شهید طارمی، (۴) شهید زمانی‌نیا (۵) که همه‌ی اینها جزو شهدای عالی‌قدر هستند؛ و همچنین همراهان شهید ابومهدی عراقی که نام آنها را البته من در ذهن ندارم.

همچنین لازم میدانم گرامی بدارم یاد شهدای جان‌باخته‌ی در تشییع کرمان و همچنین در حادثه‌ی بسیار تلخ و ناگوار هواپیما در تهران (۶) که حقیقتاً حادثه‌ی تلخی بود، حادثه‌ی ناگواری بود، مسئولین کشور را هم داغدار کرد. و امیدواریم ان شاء الله خدای متعال آن شهدا را - چه شهدای کرمان را، چه شهدای تهران را - مشمول لطف و رحمت خودش قرار بدهد و به خانواده‌های آنها صبر و تسلا و آرامش دل عنایت کند، بفضل و مته. البته مسئولین هم وظایفی دارند که به آنها تذکر داده شده.

همچنین لازم میدانم به مناسبت چهلمین روز شهادت شهید فخری‌زاده (رضوان الله تعالی علیه) یاد ایشان را هم



گرامی بدارم؛ شهید عالی‌قدری بود، شخصیت بزرگی بود. ما دو چهره‌ی بزرگ علمی را در این اواخر از دست دادیم: یکی شهید فخری‌زاده بود، یکی جناب آقای آیت‌الله مصباح (۸) بود؛ هر دوی اینها چهره‌های علمی برجسته‌ای بودند، هر کدام در منطقه‌ی خودشان و کار خودشان، و از هر دو هم میراث‌های ارزشمندی در دستگاہی که تحت نظرشان بود باقی مانده که بایستی با قوت ان‌شاءالله و به بهترین وجهی ادامه پیدا کند.

دو مطلب درباره‌ی قیام نوزدهم دی:

اما درباره‌ی نوزدهم دی؛ دو مطلب را در باب نوزدهم دی عرض میکنم: یکی اینکه لازم است ما از یاد نوزدهم دی و حادثه‌ی نوزدهم دی حراست کنیم و نگهبانی کنیم، یکی هم این است که باید از محتوا و مضمون حماسه‌ی نوزدهم دی حراست و نگهبانی کنیم؛ یعنی هم حراست و نگهبانی از خود حادثه به معنای زنده نگه داشتن آن بر ما لازم و واجب است، هم حراست و نگهبانی از مضمون و محتوای این حماسه‌ی بزرگ؛ حالا علت آن را عرض میکنم.

(۱) حراست از یاد حادثه‌ی نوزدهم دی به عنوان یکی از نقاط اوج حیات ملت ایران اما اینکه از خود آن حماسه بایستی حراست کنیم و نگهبانی کنیم، چون این یکی از نقطه‌های اوج حیات ملت ایران بود. ملتها نقاط اوج و نقاط حسیض دارند؛ نقاط اوج را بایستی زنده نگه داشت. نقاط اوج، آنهایی هستند که زنده بودن و پای کار بودن و با اراده و عزم بودن یک ملت را و بصیرت یک ملت را در این مواقع حساس نشان میدهند؛ نوزدهم دی این جوری بود. نقطه‌ی اوج را باید زنده نگه داشت، چون هم به آیندگان روحیه میدهد، هم مایه‌ی افتخار و عزت ملی است. این نقطه‌های اوج در تاریخ ثبت میشود و راه آینده را برای آیندگان روشن میکند. بنابراین، خود این حادثه را نباید گذاشت کهنه بشود و همین طور که تا امروز بحمدالله این حادثه زنده و پرنشاط باقی مانده، همچنان باقی بماند.

(۲) نگهبانی از محتوای حادثه‌ی نوزدهم دی و جلوگیری از تفسیر غلط

و اما نگهبانی از محتوای این حادثه. خب هر حادثه‌ای یک مضمونی دارد، یک محتوایی دارد، یک معنایی دارد؛ مضمون این حادثه چه بود؟ ما بایستی این مضمون را درست بشناسیم و از آن حراست کنیم؛ چرا حراست کنیم؟ به خاطر اینکه راویان خائن و تحلیگران مغرض سعی میکنند محتوای حوادث بزرگ را به سود خودشان و به سود قدرتهای غاصب دنیا تغییر بدهند. این کار از قدیم هم وجود داشته که راوی مغرض یک حادثه‌ای که اتفاق افتاده، آن را جوری تعریف میکنند که عکس مقصود از آن حماسه به ذهن مخاطب تبادر کند.

امروز هم که با گسترش وسایل ارتباط جمعی و این امکانات فراوان و وسیعی که هست، این امکان در اختیار قدرتهای مغرض و دستهای خائن وجود دارد که حوادث را تغییر بدهند، محتوای حوادث را عوض کنند و غلط تفسیر کنند و افکار عمومی را منحرف کنند؛ بخصوص افکار نسلهای بعدی و کسانی را که در آن حادثه حضور نداشتند و آن را از نزدیک ندیدند یا در زمان نزدیک نشنیدند و دورند از حادثه، عوض کنند. امروز یکی از کارهای مهم دستگاہ‌های جاسوسی همین است که می‌نشینند حوادث دنیا را رصد میکنند و بعد نه خودشان مستقیم بلکه به زبان دیگران، از قلم دیگران، با مقاله و تحلیل اشخاص معتبر و معروف، با وسایلی که خودشان دارند - با پول، با تهدید، با تطمیع - آنچه را که در تفسیر یک حادثه مورد نظر خودشان است، منعکس میکنند.

من اخیراً یک کتابی را مطالعه کردم که یک آمریکایی این کتاب را نوشته؛ در واقع جمع کرده این کتاب را، چون



افراد گوناگونی در نگارش این کتاب دست دارند. این کتاب درباره‌ی تسلط سازمان جاسوسی سیا ( ۹ ) بر مطبوعات و مجلات عمده‌ی دنیا است؛ اصلاً این کتاب درباره‌ی این است. شرح میدهد که چگونه سازمان سیا در مقالات، در تحلیل‌ها، در نوشته‌ها و در گفته‌های نویسندگان معروف و بعضاً مجلات معتبر دخالت کردند و تفسیر خودشان را به جای تفسیر واقعی به افکار عمومی القا کردند و آنها را کنترل کردند؛ نه فقط در مطبوعات آمریکا بلکه در سایر کشورها، در اروپا؛ یک مجله‌ی معروف فرانسوی را اسم می‌آورد و میگوید در آنجا این کارها را کردند، این جور گفتند، این جور نوشتند؛ یعنی این کار الان در دنیا رایج است و وجود دارد. در واقع سازمان سیا با این کار تحلیل انحرافی خود و تفسیر غلط خود از مسائل و حوادث را به افکار عمومی منتقل میکند و افکار عمومی را گمراه میکند و این خطری است که همیشه وجود دارد.

حادثه‌ی نوزدهم دی، مقدمه‌ای برای قیام عمومی مردم کشور  
خب در مورد نوزدهم دی ما [باید] مراقب باشیم که چنین اتفاقی نیفتد؛ حالا البته به اجمال من عرض میکنم که مضمون و محتوا و معنای حرکت نوزدهم دی در قم که مردم و حوزه‌ی علمیّه مشترکاً آن حرکت عظیم را انجام دادند چه بود. اگر قضیه‌ی قم در همان شهر قم تمام میشد و به قم منحصر میماند، ممکن بود آدم این را حمل کند بر یک حرکت عاطفی و ناشی از هیجانات مثلاً مذهبی و زودگذر که بگویند: «مردم نترسی بودند، در یک حادثه‌ای قیام کردند و بعد هم سرکوب شد و تمام شد»؛ ممکن است این جور بگویند لکن حادثه‌ی قم این جور نبود. حادثه‌ی قم در قم تمام نشد، به قم منحصر نماند؛ از قم سرایت کرد به تبریز، به یزد، به کرمان، به شیراز، به مشهد، به تهران و تدریجاً به یک قیام عمومی منتهی شد. شروع از قم بود، شروع کننده قمی‌ها بودند، اما حادثه در قم خاتمه نیافت؛ این حادثه در ظرف تقریباً پنج شش ماه تبدیل شد به یک قیام عمومی سراسری در همه‌ی شهرها و تدریجاً در روستاها؛ همه قیام کردند؛ این چه حادثه‌ای است؟ بعد هم بر اساس این قیام، یک انقلاب عظیم مردمی و کم‌نظیر در تاریخ - شاید از جهاتی بی‌نظیر - به وقوع پیوست.

معنای حادثه‌ی نوزدهم دی: خشم و اعتراض مردم به رژیم دیکتاتور، وابسته، فاسد، ضدّین، اشرافی و طبقاتی  
خب با این نگاه دیگر نمیشود حادثه‌ی قم را آن طور ساده‌نگری کرد و تفسیر کرد به یک هیجان؛ نه، این حادثه یک معنای دیگری دارد، یک عمقی دارد، معنای عمیق‌تری پیدا میکند. خب معنای حادثه‌ی نوزدهم دی چیست؟ عبارت است از خشم و شدت اعتراض مردم به رژیم دیکتاتور، وابسته، فاسد، ضدّین، اشرافی و طبقاتی. نارضایی‌های مردم و خشمهای مردم در طول زمان متراکم شده بود و یک پشتوانه‌ی فکری هم از درسهای امام، سخنرانی‌های امام، بیانیتهای امام که از قم و از نجف منتشر میشد پیدا کرده بود؛ این حرکت عظیم، این خشم عمومی مردم، متکی به آن پشتوانه‌ی فکری‌ای که امام دائماً و پی‌درپی القا میکرد و به وسیله‌ی جوانهای مبارز و بخصوص به وسیله‌ی طلاب در سراسر کشور منعکس میشد، توانست این قیام عظیم را به وجود بیاورد.

دو نکته‌ی مهمّ حادثه‌ی نوزدهم دی: جنبه‌ی دینی و جنبه‌ی ضدّ آمریکایی قیام مردم  
دو نکته‌ی مهم در اینجا باید مورد توجه قرار بگیرد و تعیین‌کننده است. یک نکته اینک رهبر این حرکت عمومی یک مرجع تقلید بود؛ یک روحانی بزرگ، یک شخصیت برجسته‌ی مبلغ و مروّج مبانی معرفتی دینی. این رهبر بزرگ از روز اوّل مبارزه هم مردم را به دین دعوت میکرد؛ از اوّل مبارزه، از سال ۴۱، دعوت امام متکی به مبانی دینی بود و اگر اعتراض میکرد، اگر پیشنهاد میکرد، همه متکی بود به مبانی دینی. پس حرکت مردم اساساً یک حرکت دینی بود، به خاطر اینکه با رهبری امام بود، با تعلیم و هدایت و راهنمایی امام بود و امام یک مرجع تقلید بود، یک روحانی



برجسته بود و کار امام از اوّل مئذنی به مبانی دینی بود؛ این یک نکته که نکته‌ی بسیار مهمّی است.

نکته‌ی دوّم این است که تقریباً یک هفته قبل از قیام مردم قم، رئیس‌جمهور آمریکا - که آن وقت کارتر بود - در تهران، حمایت و پشتیبانی صد درصد خودش را از رژیم پهلوی و محمّدرضا ابراز کرد؛ یک نطقی برایش تنظیم کرده بودند که در مهمانی آن نطق را بخواند، آن نطق را گذاشت داخل جیبش و خودش شروع کرد حرف زدن - بعدها مفسّرینش و همراهانش این را افشا کردند - و تعریف و تمجید و حمایت صد درصد از محمّدرضا و از رژیم پهلوی. بنابراین این حرکت قم، یک حرکت ضدّ آمریکایی بود، یک حرکت ضدّ استکباری بود؛ حرکتی بود ضدّ آن قدرتهای خبیثی که به خاطر منافع خودشان از رژیم دیکتاتور و ضدّدین و فاسد پهلوی حمایت میکردند. حالا در واقع این قیام، هم جنبه‌ی دینی داشت، هم جنبه‌ی ضدّ آمریکایی داشت.

قیام نوزدهم دی، اوّلین ضربه‌ی تبر ابراهیمی بر پیکر بت بزرگ آمریکا در واقع قیام نوزدهم دی را میتوان اوّلین ضربه‌ی تبر ابراهیمی بر پیکر بت بزرگ به حساب آورد. این اوّلین [ضربه‌ی] تبری بود که به وسیله‌ی مردم قم به بت بزرگ آمریکا زده شد. بعد از آن هم ادامه پیدا کرد و شما امروز وضع آمریکا را مشاهده میکنید؛ وضع و حال بت بزرگ را امروز شما می‌بینید که این دموکراسی‌شان است؛ این افتضاح انتخاباتی‌شان است؛ این حقوق بشرشان است، حقوق بشری که هر چند ساعت یک بار، یا حدّاقل چند روز یک بار، یک سیاه پوست را بدون دلیل، بدون جرم در خیابان میکشند، و کشته و قاتل هم تعقیب نمیشود؛ این ارزشهایشان است که همین طور میگویند ارزشهای آمریکایی، ارزشهای آمریکایی، و امروز این ارزشها مایه‌ی مسخره‌ی همه‌ی دنیا شده، حتّی دوستانشان آنها را مسخره میکنند؛ این هم اقتصاد فلجشان است؛ اقتصاد آمریکا به معنای واقعی فلج است، ده‌ها میلیون بیکار و گرسنه و بی‌خانمان [وجود دارد]؛ این وضع امروز آمریکا است. این البته چیز مهمّی است لکن عجیب‌تر از این، این است که یک عده‌ای هنوز قبله‌شان آمریکا است، هنوز امید و آرزوییشان به آمریکا است؛ آمریکایی که در یک چنین وضعی است.

خب گفتیم قیام عمومی مردم ضدّ آمریکایی بود؛ علت هم فقط این نبود که حالا رئیس‌جمهور آمریکا آمده و صد درصد [حمایت کرده]؛ این در واقع یک سر باز کردن آن ناراحتی‌ها و خشمهای درونی ملت بود، والا ۲۵ سال بود که آمریکا در ایران انواع فشار را بر مردم وارد میکرد و به وسیله‌ی رژیم مستبد و فاسد پهلوی، در واقع ایران را پایگاه اصلی خودش قرار داده بود و نتیجه‌اش هم برای کشور ما پیشرفت نبود؛ بلکه بعکس، نتیجه‌ی حضور آمریکا در کشور ما فقر اقتصادی بود، فقر علمی بود، فساد و بی‌بند و باری فرهنگی بود؛ یک چنین وضعی را اینها به وجود آوردند. حالا یک عده‌ای خیال میکنند که اگر با آمریکا تعامل کردیم و اگر آشتی کردیم و رفیق شدیم، اوضاع کشور بهشت برین خواهد شد؛ نه، به قبل از انقلاب نگاه کنید ببینید چه جوری است. به کشورهای که الان با آمریکا قربان صدقه‌ی هم میروند نگاه کنید ببینید وضعشان چه جوری است؛ آن وضع اقتصادی‌شان، آن وضع علمی‌شان. در همین منطقه‌ی خودمان [هم هستند] که من دیگر اسم نمی‌آورم، خودتان میدانید.

البته بعد از آن حادثه‌ی انقلاب بزرگ ما هم، آمریکا دست برداشت. دنبال استمرار همان سلطه‌ی جهتمی بر کشور ما است؛ نه فقط بر کشور ما، [بلکه] بر ایران و بر کلّ منطقه. اینکه بعضی میپرسند که خب، فرق آمریکا و فلان کشور اروپایی چیست؟ فرق در همین است. آمریکا چون سالها اینجا منتفع بوده و استفاده کرده و جا خوش کرده بود، خودش را هم یک قدرت برتر میداند، دائم در صدد بازگشت به همان وضعیّت گذشته است؛ این، آن چیزی است که ملت



ایران را هشیار میکند و مراقب میکند. البته برخی از دولتهای خائن منطقه هم به او کمک میکنند.

منافع آمریکا در گرو بی‌ثباتی و آشوب در منطقه

این را هم عرض بکنم: آمریکا نفع خودش را، منافع خودش را، در شرایط کنونی در بی‌ثباتی این منطقه میبیند، مگر آن وقتی که به طور کامل خودش را مسلط بر منطقه بکند؛ تا قبل از آن، نفع آمریکا در بی‌ثباتی منطقه است؛ این را خودشان میگویند، این را خودشان بصراحت ابراز میکنند. یک کارشناس معروف یک اندیشکده‌ی معروف آمریکایی -اندیشکده‌ی اینترپرایز (۱۰)- که اگر اسم بیاورم، خیلی‌ها که دستشان در کار سیاست است او را می‌شناسند، صریحاً این حرف را زد؛ گفت ما خواهان ثبات در ایران و عراق و سوریه و لبنان نیستیم. فقط هم ایران نیست؛ [میگوید] در ایران و عراق و سوریه و لبنان، ما مایل به ثبات و خواهان ثبات نیستیم. مسئله‌ی اصلی، لزوم یا عدم لزوم بی‌ثباتی در این کشورها نیست -یعنی مسلم است که باید بی‌ثباتی در این کشورها به وجود بیاید- بلکه چگونگی ایجاد بی‌ثباتی مورد نظر است؛ بی‌ثباتی را چه جوری ایجاد کنند. حالا یک وقت در یک جا با داعش، یک وقت [هم] با فتنه‌ی ۸۸ و امثال اینها، و کارهایی که شما می‌بینید در منطقه دارند انجام میدهند. دنبال بی‌ثباتی منطقه‌اند، آن وقت یک یاوه‌گوی آمریکایی درمی‌آید میگوید ایران موجب بی‌ثباتی در منطقه است! نه، ما موجب ثباتیم، ما در مقابل بی‌ثبات‌سازی آمریکا ایستاده‌ایم. در سال ۸۸ آمریکا میخواست ایران را بی‌ثبات بکند؛ همان بلائی که در سال ۹۹ سر خودشان آمد. همان کاری که در واشنگتن انجام گرفت در این چند وقت، بخصوص پریروز (۱۱) که آدمهایی رفتند در کنگره اعضای کنگره را از داخل دالانهای مخفی فراری دادند و [بیرون] بردند، این کار را میخواستند در ایران بکنند؛ اینجا میخواستند ایجاد آشوب بکنند، میخواستند جنگ داخلی راه بیندازند، خداوند متعال موفقشان نکرد. آنها سال ۸۸ در فکر [آشوب در] اینجا بودند، حالا در سال ۹۹ خدای متعال به سر خودشان آورد.

ایجاد تمدن نوین اسلامی؛ هدف نهایی ما

ما البته وقتی مسیر حرکت کشور را و انقلاب را از نوزدهم دی تا امروز نگاه میکنیم، [می‌بینیم] حداقل ده‌ها برابر -شاید بشود گفت صدها برابر؛ حالا من نمیخواهم الفاظ خیلی بزرگ به کار ببرم- کشور ما قوام و استحکام و عمق و پختگی پیدا کرده، تجربه به دست آورده، مجهز شده. ما آن روز مجهز نبودیم، امروز خیلی مجهزیم؛ هم مجهز فکری، هم مجهز عملی، هم مجهز سیاسی، هم مجهز نظامی بحمدالله؛ بر خیلی از موانع غلبه پیدا کرده‌ایم. هدف هم ایجاد تمدن نوین اسلامی است؛ این هدف نهایی ما است. ممکن است یک نسل به این هدف نرسد، اما این راه ادامه خواهد داشت و ان‌شاءالله نسلهای بعدی به این هدف خواهند رسید. و باید غلبه کنیم بر دست‌اندازی‌هایی که سلطه‌گران در راه ما ایجاد میکنند و سیاستهای خبثت‌آلودی که علیه کشورمان به وجود می‌آورند. مواضع ما در مقابل دولت آمریکا ناشی از این تفکر است، ناشی از این استدلال و این فلسفه است. این راجع به نوزدهم دی.

چند چالش مهم بین ایران و جبهه‌ی استکبار:

و اما راجع به چند مسئله از مسائل مطرح روز؛ از مسائل پرتکرار در چالش بین جمهوری اسلامی و جبهه‌ی استکبار به سرکردگی آمریکا، یکی مسئله‌ی تحریم است، یکی مسئله‌ی حضور منطقه‌ای ایران است، یکی هم مسئله‌ی توان دفاعی ایران و قدرت موشکی ایران است که دائم آنها یک چیزی میگویند، یک حرفی میزنند، یک نقی میزنند و این طرف هم یک جوابی به آنها میدهند. البته عناصر داخلی و مسئولین داخلی ما جواب جبهه‌ی استکبار را در هر سه مسئله داده‌اند؛ هم مسئولین نظامی ما، هم وزارت خارجه‌ی ما و هم شعارهای مردمی ما؛ جواب آنها داده شده ولی حالا من سخن قطعی و پایانی را در این زمینه عرض میکنم.



### ۱. مسئله‌ی تحریم‌های خائنانه و خبثات‌آمیز

اما در مورد تحریمها؛ جبهه‌ی غرب و دشمنان ما موظفند که این حرکت خبثات‌آمیز - یعنی تحریم ملت ایران را - خاتمه بدهند و آن را فوراً متوقف کنند؛ این وظیفه‌ی آنها است که باید همه‌ی تحریمها را بردارند؛ این یک حرکت خائنانه است، یک حرکت خبثات‌آمیز است، یک دشمنی بزرگ و بی‌جهت است با ملت ایران؛ نه فقط با نظام جمهوری اسلامی یا با دولت، [بلکه] با ملت ایران دارند دشمنی میکنند؛ وظیفه‌ی آنها این است که سریعاً این تحریمها را بردارند. البته بنده بارها گفته‌ام، (۱۲) باز هم تکرار میکنم که آنها باید تحریم را بردارند، ما [هم] باید اقتصادمان را جوری تنظیم و برنامه‌ریزی کنیم که با وجود تحریم هم بتوانیم کشور را بخوبی اداره کنیم؛ این را من بارها تکرار کرده‌ام، الان هم باز میگویم. ما فرض کنیم تحریم برداشته نخواهد شد - البته تحریم بتدریج دارد بی‌اثر هم میشود؛ یعنی دارد به صورت یک چیز لغوی درمی‌آید اما حالا گیرم که تحریم باقی بماند - ما باید اقتصاد کشور را جوری برنامه‌ریزی کنیم که با رفتن و آمدن تحریم و با بازیگری‌های دشمن، در امر اقتصاد کشور دچار مشکل نشویم. این هم ممکن است؛ این را من نمیگویم، صاحب‌نظران اقتصادی میگویند، دلسوزان میگویند؛ میگویند این کار ممکن است، ظرفیتهای داخلی خیلی فراوان است. و ما این را به صورت یک سیاست ابلاغ کردیم (۱۳) که همان سیاست «اقتصاد مقاومتی» است که این باید بشدت و با جدیت دنبال بشود. بنابراین [پاسخ قطعی به] مسئله‌ی تحریم، این است؛ اینکه فلان کار را نکنید، فلان کار را نکنید، اینها حرف بیخودی است؛ تحریم یک خیانت است، یک جنایت در حق ملت ایران است که باید برداشته بشود. این یک مسئله.

### ۲. مسئله‌ی حضور ثبات‌آفرین ایران در منطقه

در مورد حضور منطقه‌ای ما که مدام میگویند چرا ایران در منطقه حضور پیدا میکند، نظام جمهوری اسلامی موظف است طوری رفتار کند که دوستانش و هوادارانش در منطقه تقویت بشوند؛ این وظیفه‌ی ما است. حضور ما به معنای تقویت دوستانمان و تقویت هوادارانمان است. ما نباید کاری کنیم که دوستان و وفاداران به جمهوری اسلامی در منطقه تضعیف بشوند؛ این حضور ما یک چنین حضوری است. و حضور ما ثبات‌آفرین است؛ ثابت شده که حضور جمهوری اسلامی موجب برداشته شدن موجبات بی‌ثباتی است؛ [مانند] مسئله‌ی داعش در عراق، مسائل گوناگون در سوریه و امثال اینها که حالا این جزئیات را ما نمیخواهیم عرض کنیم؛ کسانی که دست‌اندرکارند اینها را میدانند؛ بنابراین این حضور منطقه‌ای قطعی است، بایستی وجود داشته باشد و وجود خواهد داشت.

### ۳. مسئله‌ی قدرت دفاعی و موشکی ایران

اما در مورد قدرت دفاعی؛ نظام جمهوری اسلامی حق ندارد وضع دفاعی کشور را جوری قرار بدهد که یک آدم بی‌غرضه‌ای مثل صدام حسین بتواند بیاید شهر تهران را بمباران کند، موشک بزند و هواپیمای میگ ۲۵ او بیاید روی آسمان تهران حرکت کند و کاری از دست نظام برنیاید. این اتفاق افتاد؛ در همین شهر تهران یا موشک عراقی می‌آمد - که همین آقایان اروپایی‌ها تقویت کرده بودند وضع موشکی او را که موشکهای او میتواندست از بغداد برسد به تهران؛ حالا شهرهای دیگر به جای خود - یا هواپیمای میگ ۲۵ می‌آمد از ارتفاع بالا بمباران میکرد، کاری هم نمیتوانستیم بکنیم، امکاناتی نداشتیم. نظام اسلامی حق ندارد کشور را به این شکل نگه دارد و ما به توفیق الهی [این جوری] نگه نداشته‌ایم. امروز قدرت دفاعی ما جوری است که دشمنان ما در محاسباتشان ناگزیرند توانایی‌های ایران را به حساب بیاورند. وقتی که موشک جمهوری اسلامی میتواند پرنده‌ی متجاوز آمریکایی را که آمده روی آسمان ایران ساقط کند، یا آن وقتی که موشکهای ایرانی میتوانند پایگاه عین‌الاسد (۱۴) را آن جور در هم بکوبند، آن وقت دشمن مجبور است در محاسبات خودش، در مورد تصمیم‌های نظامی خودش، روی این قدرت کشور و روی این توانایی



کشور حساب کند. ما نباید کشور را بی‌دفاع بگذاریم؛ این وظیفه‌ی ما است. نبایستی کاری کنیم که دشمن جرئت کند و در مقابل دشمن از ما کاری برنیاورد.

چند نکته درباره‌ی برجام و کاهش تعهدات جمهوری اسلامی ایران:

یک مسئله‌ی دیگری که امروز زیاد تکرار میشود در زبان مسئولین و مردم و سیاسیون و در فضای مجازی و غیر مجازی تکرار میشود، مسئله‌ی برجام و تعهدات جمهوری اسلامی است که جمهوری اسلامی اعلام کرد و برخی از این تعهدات را کنار گذاشت، اخیراً هم که [غنی‌سازی] بیست درصد را شروع کرد و مصوبه‌ی مجلس را دولت به مرحله‌ی عمل درآورد؛ این یکی از بحثهایی است که امروز مطرح است. من در مورد این مسئله‌ی برجام، دو سه نکته را عرض میکنم.

#### ۱. برگشت آمریکا به برجام

نکته‌ی اول این است که بحث میکنند که آمریکا برگردد به برجام یا برنگردد. ما هیچ اصراری نداریم، هیچ عجله‌ای نداریم که آمریکا به برجام برگردد؛ اصلاً مسئله‌ی ما این نیست که آمریکا به برجام برگردد یا برنگردد. آنچه مطالبه‌ی منطقی ما و مطالبه‌ی عقلانی ما است، رفع تحریمها است؛ تحریمها باید برداشته بشود. این حقّ غصب‌شده‌ی ملت ایران است؛ چه آمریکا، چه اروپا - که آویزان به آمریکا و دنباله‌رو آمریکا است - وظیفه دارند این حقّ ملت ایران را اداء کنند. اگر تحریمها برداشته شد، خب آن برگشت آمریکا به برجام معنایی خواهد داشت - البته مسئله‌ی خسارتها هست که جزو مطالبات ما است و در مراحل بعدی دنبال خواهد شد - اما اگر چنانچه تحریمها برداشته نشد، برگشت آمریکا به برجام ممکن است حتی به ضرر ما تمام بشود؛ به نفع ما که نیست، [بلکه] به ضرر ما هم ممکن است باشد. البته بنده به مسئولین، هم در قوه‌ی مجریه و هم در قوه‌ی مقننه، گفته‌ام که در این زمینه‌ها با دقت و رعایت کامل ضوابط پیش بروند و عمل کنند.

#### ۲) تصمیم درست لغو تعهدات برجامی

مطلب دوم این [است] که تصمیم مجلس و دولت در باب لغو تعهدات برجامی، تصمیم درستی است؛ کاملاً تصمیم منطقی و عقلایی و قابل قبولی است. وقتی طرف مقابل، تقریباً به هیچ کدام از تعهدات خودش در برجام عمل نمیکند، معنی ندارد که جمهوری اسلامی به همه‌ی تعهدات خودش در برجام عمل کند؛ لذا از مدتی پیش تدریجاً بعضی از تعهدات را لغو کردند، اخیراً هم تعهدات دیگری را کنار گذاشتند. و البته اگر چنانچه آنها به تعهداتشان برگردند، ما هم به تعهداتمان برمیگردیم؛ بنده از اول هم همین را گفتم. از اولی که برجام مطرح شد، بنده گفتم که تعهد در مقابل تعهد؛ متناظر، کار آنها در مقابل کار ما؛ هر کاری که ما بنا است بکنیم، باید طرف مقابل هم متناظر با آن کار را بکند؛ خب این اول کار انجام نگرفت، حالا بایستی انجام بگیرد.

استفاده از ابتکار و نشاط جوانان در کنار تجربه‌ی افراد مجرب در مدیریتهای کشور یک موضوع دیگری که بد نیست مطرح بکنم و اینجا یادداشت کرده‌ام، این است که شنیدم سؤال میشود که بنده در یک برنامه‌ی تلویزیونی (۱۵) که ظاهراً اخیراً پخش شده، یک بار گفته‌ام که دولت جوان حزب‌اللهی باید سر کار بیاید، یک بار هم گفته‌ام که صلاح نیست از مجربین استفاده نشود. بعضی‌ها گفتند چطور؟ اینها با هم نمیسازد. من عرض میکنم نه، اینها با هم میسازد، اینها با همدیگر هیچ منافاتی ندارد. ببینید، من معتقد به تکیه‌ی به نیروهای جوانم [و به این] اعتقاد راسخ دارم؛ مال امروز هم نیست، از قدیم بنده چنین اعتقادی داشتم. معنای اعتماد به



نیروهای جوان این است که اولاً در برخی از مدیریتهای مهم کشور از جوانها استفاده بشود و به جوانها اعتماد بشود؛ ثانیاً از ابتکارهایی که انجام میدهند و حرکت اینها و حوصله و نشاط کار اینها استقبال بشود. گاهی اوقات جوانی به همه جا مراجعه کرده، یک کار مهمی را پیشنهاد کرده که میتواند انجام بدهد، جواب نداده‌اند، مراجعه میکند به ما؛ بعد که می‌دهیم دست کارشناس، تصدیق میکند، می‌گوید درست است، این کار، کار مهمی است و این شخص میتواند این کار را انجام بدهد. خب من معتقدم که کشور بایستی از ابتکارات جوانها، از نشاط جوانها، از روحیه‌ی کار و پُرانگیزه‌ی جوانها حداکثر استفاده را بکند؛ اینها بچه‌های ما هستند، بچه‌های کشورند و کشور حق دارد که از اینها استفاده کند. بنابراین، هم مسئله‌ی مدیریتهای است، هم این [نکته]. منتها اینکه ما می‌گوییم در مدیریتهای از اینها استفاده بشود، معنایش این نیست که نسل قبلی را بکلی بشوریم بگذاریم کنار! نه، بر حسب اقتضا، یک جا مدیریتهای جوان، یک جا مدیریتهای فرد مجرب و کارکننده. از اول انقلاب هم همین جور بوده؛ حالا بعضی‌ها گفتند که امام در تهران یک امام جمعه‌ی چهل‌ساله را گذاشتند که این حقیر بودم؛ خب بله، همان وقت در کرمانشاه هم یک امام جمعه‌ی هشتادساله را گذاشتند؛ (۱۶) در یزد و در شیراز و در مشهد و در تبریز و مانند اینها، علمای بزرگ، مردانی را که در حدود هفتاد سال سثشان بود گذاشتند؛ اقتضائات مختلف است. در اول انقلاب امام بزرگوار در رأس سپاه جوانی را گذاشتند که کمتر از سی سال داشت، (۱۷) در رأس نیروی زمینی ارتش مردی را گذاشتند که حدود شصت سال داشت؛ (۱۸) اقتضائات این جوری است. یک جا اقتضا دارد که یک مدیر جوان بر سر کار بیاید، یک جا اقتضا دارد که یک مدیر مجرب [بر سر کار بیاید]. حالا در مورد دولت جوان حزب‌اللهی ان‌شاءالله بعدها، نزدیک انتخابات، بنده صحبت خواهم کرد؛ یعنی حرفهایی دارم که بعد عرض میکنم؛ اما اینکه تصوّر بشود اگر ما گفتیم از مجربین استفاده بشود، با استفاده‌ی از جوانها منافات دارد، نه، این هیچ منافاتی ندارد.

و البته این را هم باید توجه داشت که بعضی از افراد میان‌سال مثل جوانهایند؛ سنّ شهید سلیمانی حدود شصت سال بود، [اما] دیدید در کوه و دشت و بیابان و همه جا چطور مثل جوانها حرکت میکرد، از هیچ چیز نمیترسید. حالا البته از فعالیت‌های کاری او اطلاعات کمی دست مردم هست، همینهایی است که در تلویزیون مشاهده شده؛ آنچه بنده میدانم خیلی بیش از اینها است. گاهی اوقات در ۲۴ ساعت، در یک کشوری به قدری تلاش و فعالیت میکرد که آدم از خواندنش احساس خستگی میکرد که چقدر تلاش و تحرّک انجام گرفته در ظرف ۲۴ ساعت یا در ظرف ۳۶ ساعت؛ بعضی هم این جور هستند دیگر.

چند نکته در مورد مسئله‌ی کرونا: (۱) واکسن تولید شده در ایران، مایه‌ی افتخار و عزّت موضوع آخر هم مسئله‌ی کرونا است، که این را هم مجدداً عرض کنیم. اولاً واکسنی که برای کرونا آماده شد مایه‌ی افتخار است؛ این را انکار نکنند؛ این مایه‌ی عزّت یک کشور است، مایه‌ی افتخار کشور است. البته از طرق مختلفی دارند دنبال واکسن حرکت میکنند که خب در یک موردی به آزمایش انسانی رسید و موفق بود. سعی نکنند این را انکار کنند. بعضی هستند هر کار بزرگی را که در کشور انجام میگیرد مستبعد میدانند. وقتی این سانتریفیوژهای هسته‌ای را جوانهای ما درست کرده بودند و بنده چند بار در سخنرانی اسم آوردم و اشاره کردم، چند نفر از این بزرگان علمی به من نامه نوشتند که آقا! نبادا شما گول اینها را بخورید، اینها نمیتوانند چنین کاری بکنند؛ انکار میکردند، میگفتند نمیشود، ولی خب دیدید چه شد و به کجا رسید. عین همین قضیه در مورد سلول‌های بنیادی بود؛ وقتی مرحوم کاظمی (۱۹) و این جوانان عزیزی که بحمدالله امروز هم هستند، توانستند سلول‌های بنیادی را که یک کار بسیار بزرگ در مسائل زیستی انسانی است انجام بدهند، یک عده‌ای باز همان وقت به ما پیغام میدادند یا نامه مینوشتند – حالا نامه را یادم نیست – که خیلی باور نکنید. بعضی‌ها آمدند اینجا به خود من گفتند؛ گفتند اینها را





خیلی باور نکنید، اینها خیلی قابل قبول نیست. نه، قابل قبول بود و باور هم کردیم و آن وقت درست بود، بعد از آن هم ده برابر پیشرفت کرد. الان هم همین جور است؛ این واکسن را درست کردند و تست انسانی شد، ان شاء الله بهترش را و کامل ترش را هم درست خواهند کرد - یعنی روزبه روز کامل تر خواهد شد - تا الان موفق بوده، بعد از این هم ان شاء الله موفق خواهد بود. این نکته‌ی اول که این مایه‌ی افتخار است. من از همه‌ی دست‌اندرکاران، از وزارت بهداشت و دیگران که دست‌اندرکار تولید واکسن بودند، تشکر می‌کنم.

۲) ممنوعیت ورود واکسن آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی به کشور نکته‌ی دوّم در مورد کرونا این است که ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی به کشور ممنوع است. این را من به مسئولین هم گفته‌ام، الان هم به طور عمومی می‌گویم. اگر آمریکایی‌ها توانسته بودند واکسن تولید کنند، این افتضاح کرونایی در کشور خودشان پیش نمی‌آمد. چند روز پیش در ظرف ۲۴ ساعت، اینها چهار هزار نفر تلفات داشتند. اینها اگر بلدند واکسن درست کنند، اگر کارخانه‌ی فایزرشان میتواند واکسن درست کند، چرا میخواهند به ما بدهند؟ خب خودشان مصرف کنند که این قدر مرده و کشته‌ی زیاد نداشته باشند. انگلیس هم همین جور. بنابراین، به اینها اعتماد نیست؛ من واقعاً اعتماد هم ندارم، نمیدانم، گاهی اوقات هست که اینها میخواهند واکسن را روی ملت‌های دیگر امتحان کنند، ببینند اثر میکند یا نمیکند. بنابراین، از آمریکا و از انگلیس [واکسن تهیه نشود]. البته به فرانسه هم من خوش‌بین نیستم، علتش هم این است که سابقه‌ی آن خونهای آلوده را اینها دارند. (۲۰) [البته] از جاهای دیگر اگر بخواهند واکسن تهیه کنند - که جای مطمئتی باشد - هیچ اشکالی ندارد.

۳) لزوم ادامه‌ی مراقبتهای بهداشتی نکته‌ی سوّم در باب کرونا اینکه مراقبتهای مردمی باید ادامه پیدا کند. حالا یک خرده‌ای تلفات کم شد. البته [باز هم] زیاد است؛ صد نفر یا صد و چند نفر در شبانه روز، چیز کمی نیست، خیلی زیاد است؛ اما حالا [چون] یک مقداری نسبت به قبل کمتر شده، مردم خیال نکنند که حالا دیگر مسئله حل شد و تمام شد؛ نخیر، مراقبتهای را ادامه بدهند؛ مسئولین کشور هم که در زمینه‌ی این کار مسئولیت دارند، وظایفشان را دنبال کنند.

۴) ضرورت استفاده از تجربه‌های جدید نکته‌ی چهارم در باب کرونا این است که بعضی از افراد، تجربه‌های خوبی در این زمینه انجام داده‌اند و دارویی درست کرده‌اند، این دارو را یک جایی زیر نظر مسئولینی امتحان کرده‌اند و تصدیق شده، تأیید شده که موثر است؛ با اینها مخالفت نشود. اطراف و اکناف، کسان زیادی هستند که ممکن است یک کار جدیدی بکنند. نه اینکه حالا هر ادعائی را قبول کنند؛ نه، اما همان کارهایی را که ادعا میشود، مورد مذاقه (۲۱) قرار بدهند.

امیدواری به آینده و موفقیت در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی حرف آخر به ملت عزیزمان و مردم عزیز قم و حوزه‌ی علمیه‌ی معظم این است که دیروز، ملت ایران در سایه‌ی اتحاد، در سایه‌ی عزم راسخ، در سایه‌ی دین‌داری، در سایه‌ی حضور بهنگام، در سایه‌ی مجاهدت توانست این انقلاب عظیم را انجام بدهد، توانست این کار بزرگ را که مسیر تاریخ دنیا و بشر را عوض کرد انجام بدهد؛ امروز همان ملت، با همان توانایی‌ها و با تجربه‌های بیشتر، با امکانات فراهم‌شده‌ی چندین برابر حضور دارد و میتواند بر همه‌ی موانع فائق بیاید. این ملت میتواند، هم در زمینه‌ی اقتصادی، هم در زمینه‌ی مسائل تولید و مسائل ارزش پول، هم در زمینه‌ی مسائل فرهنگی، هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی، هم در زمینه‌ی مسائل نظامی و امثال اینها موفق بشود.



امیدواریم ان شاء الله خداوند فضل و لطف خودش را بر این ملت روزبه‌روز افزایش بدهد.

سلام خدا بر ولی اعظم خدا بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن ( ارواحنا فداه ) که یاری ایشان همیشه پشتیبان ما است ؛ و رحمت و درود پروردگار بر روح مطهر و مبارک امام بزرگوارمان که این راه را به روی ما باز کردند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

- ۱) سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی ( فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ) در حمله‌ی پهباد آمریکایی به فرودگاه بغداد در بامداد جمعه‌ی ( ۱۳۹۸/۱۰/۱۳ ) به همراه شهید ابومهدی المهندس ( از فرماندهان حشدالشعبی عراق ) و ده نفر دیگر از همراهان به شهادت رسید.
- ۲) شهید حسین پورجعفری ( دستیار ویژه‌ی شهید سلیمانی )
- ۳) شهید شهرد مظفری‌نیا ( محافظ شهید سلیمانی )
- ۴) شهید هادی طارمی ( محافظ شهید سلیمانی )
- ۵) شهید وحید زمانی‌نیا ( محافظ شهید سلیمانی )
- ۶) در پی مراسم تشییع و تدفین پیکر شهید سردار حاج قاسم سلیمانی در گلزار شهدای کرمان، تعدادی از هم‌وطنان در ازدحام جمعیت به شهادت رسیدند. همچنین در هجدهم دی‌ماه سال ۱۳۹۸، یک هواپیمای مسافربری اوکراینی که از تهران به مقصد کی‌یف در حال پرواز بود، به‌اشتباه مورد اصابت پدافند داخلی قرار گرفت که در پی این اتفاق تمامی سرنشینان هواپیما به شهادت رسیدند.
- ۷) شهید محسن فخری‌زاده، دانشمند هسته‌ای و دفاعی کشور، که در هفتم آذر سال ۱۳۹۹ در منطقه‌ی آبسرد دماوند توسط عناصر مسلح به شهادت رسید.
- ۸) آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی ( عضو مجلس خبرگان رهبری و رئیس مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی )
- ۹) سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا ( CIA )
- ۱۰) امریکن اینترپرایز
- ۱۱) یورش صدها نفر از هواداران دونالد ترامپ ( رئیس‌جمهور آمریکا ) به ساختمان کنگره‌ی آمریکا و تصرف چند ساعته‌ی آن که به درگیری شدید آنها با نیروهای نظامی و امنیتی انجامید و منجر به کشته شدن حداقل چهار نفر شد.
- ۱۲) از جمله، بیانات در جمع اعضای شورای عالی هماهنگی اقتصادی ( ۱۳۹۹/۹/۴ )
- ۱۳) ابلاغ سیاستهای کلّی «اقتصاد مقاومتی» ( ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ )
- ۱۴) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸ در عملیات موسوم به شهید سلیمانی، پایگاه آمریکایی عین‌الاسد را با استفاده از موشکهای بالستیک هدف قرار داد. این عملیات در پاسخ به اقدام تروریستی آمریکا در ترور شهید سلیمانی صورت پذیرفت.
- ۱۵) مستند غیررسمی
- ۱۶) آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی
- ۱۷) سردار محسن رضایی
- ۱۸) امیر قاسمعلی ظهیرنژاد



۱۹) آقای سعید کاظمی آشتیانی ( رئیس سابق پژوهشکده‌ی رویان )  
۲۰) در دهه‌ی شصت، انستیتو «مربو» متعلق به فرانسه، فاکتورهای انعقادی خون را که آلوده به ویروس اچ‌آی‌وی بودند، به ایران صادر نمود. در اثر استفاده از این خونها تعداد قابل توجهی از بیماران هموفیلی به این ویروس مبتلا شده و جان خود را از دست دادند.  
۲۱) دقت نظر